شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی: مطالعه به روش پدیدارشناسی[1]

زهره صادقی‌نیا[2]
محمد اصلاحی[3]
مرتضی ولایی[4*]

چکیده

ابهام در فلسفه تربیتی و نپرداختن به شرایط موردنیاز از یکسو، نبود زمینه و دغدغه کافی برای نهادینه کردن فلسفه تربیتی در نظام آموزشی و شیوع بیمارگونه‌ی گرایش به ایجاد مهارت تست‌زنی در دانش‌آموزان، مخاطراتی را در سطوح فردی و اجتماعی به همراه دارد. این تحقیق، با تکیه‌بر روش پدیدارشناسی به تحلیل ادراک و تجربه زیسته، با انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از رتبه‌های برتر در کنکور کارشناسی، کارشناسی ارشد و متخصصین پرداخته شد تا تأثیر ثبت‌نام در کلاس‌های موسوم به تست‌زنی بر عملکرد دانش‌آموزان در آزمون کنکور سراسری، مورد واکاوی قرار گیرد. یافته‌ها بیانگر ۴ مضمون کلی، افت سواد دانش‌آموختگان با ۷ زیر مضمون، نخبه‌های کم-درآمد با ۴ زیر مضمون، تضعیف تربیت رسمی با ۴ زیر مضمون و مضمون نابرابری اجتماعی با ۹ زیر مضمون است. نتایج نشان می‌دهد، هرچند استفاده از این کلاس‌ها، احتمال موفقیت در آزمون‌های چندگزینه‌ای را افزایش می‌دهد، اما به شکل‌گیری و تشدید نابرابری اجتماعی انجامیده است. به دیگر سخن، ترویج بیمارگونه استفاده از کلاس‌های کنکور زمینه را برای ناکارآمدتر شدن آموزش‌وپرورش رسمی آماده کرده و درنتیجه نادیده گرفته شدن استعدادهای بسیاری که به دلایلی نظیر مادی، اجتماعی و فرهنگی، توانایی استفاده از این نوع آموزش‌ها ندارند را به دنبال داشته و توان قبولی در رشته‌های پردرآمد و پرطرفدار را از آن‌ها سلب خواهد کرد. به نظر می‌رسد این موارد منجر به

---

۱. مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی آزاد است که در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه تهران انجام‌شده است.

۲. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، پست الکترونیک: zhr.sadeghinia@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، پست الکترونیک: eslahi.mohammad@ut.ac.ir

۴. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک: valaei.morteza@ut.ac.ir

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

نادیده گرفته شدن بخش از توان بالقوه‌ی جامعه و تشدید نابرابری اجتماعی شده است؛ این امر اهمیت بازاندیشی برای جلوگیری از دامنه‌دار شدن مخاطرات ذکرشده را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد.

کلید واژگان: تربیت سایه، موفقیت در کنکور، عدالت اجتماعی، تست‌زنی، تدریس برای آزمون

مقدمه و بیان مسئله

امروزه با پیشرفت روزافزون علم و پدیده‌ی جهانی‌شدن، رقابت برای گرفتن شغل‌ها و یا کرسی‌های بالای تحصیلی در برخی از کشورها بیش ازآنچه در دیگر نقاط جهان باید در جریان باشد، وجود دارد؛ که این خود موجب به وجود آمدن نهادهای خصوصی یا بعضاً دولتی (وابسته به مجریان دولتی) شده است. این نهادها غالباً با تبلیغات گسترده سعی در جذب افراد بیشتر برای افزایش درآمد خوددارند. نهادهای نام‌برده، مهارت‌هایی ازجمله تست‌زنی (تیزی آزمون یا خبرگی آزمون)، سرعت عمل، آشنایی با آزمون و شناخت نقاط کلیدی را افزایش می‌دهد و درزمینه‌ی افزایش و خلق دانش، خلاقیت، نوآوری و غیره نقشی را ایفا نمی‌کند. آموزش تکمیلی خصوصی به‌طور گسترده‌ای به نام تربیت سایه[1] شناخته می‌شود و به تقلید از جریان اصلی (آموزش‌وپرورش رسمی) می‌پردازد. با تغییر محتوای مسیر اصلی، محتوای تربیت سایه هم‌تغییر می‌کند (بری و لیکینز[2]، ۲۰۱۲) و ممکن است روی بهره‌وری نظام رسمی آموزش تأثیر داشته باشد و پیامدهای قابل‌توجهی برای نابرابری و شاید هم برای انسجام جامعه داشته باشد (بری و لیکینز، ۲۰۱۲، ص. ۳۲).

تدریس خصوصی که همان تربیت سایه نامیده می‌شود ممکن است از طریق کانال‌های رسمی و یا شرکت‌های خصوصی به‌صورت فردبه‌فرد یا گروه‌های کوچک و بزرگ ارائه گردد (چن[3] و بری، ۲۰۱۴) و به‌عنوان یک شغل آموزشی، خارج از قلمرو سیستم رسمی با ارائه خدمات به نیازهای آموزشی دانش‌آموزان پاسخ دهد. کار اصلی هر دو سیستم رسمی و غیررسمی آماده ساختن دانش‌آموزان برای ورود به مقطع بالاتر تحصیلی است (ماوور[4]، ۲۰۱۵). با این تفاوت که در اولی نیاز به هزینه‌های سرسام‌آور و تحمیل این هزینه‌ها به خانواده‌ها نیست ولی در دومی(تربیت سایه) این اتفاق قطعاً خواهد افتاد. بعضی از این نهادهای موجود تقریباً موازی آموزش‌وپرورش عمل می‌کنند. حتی در بعضی نقاط به‌طور غیر محسوس جای آموزش‌وپرورش رسمی را گرفته‌اند. منظور از آموزش‌وپرورش رسمی، فرایند آموزش و رشد دانش‌آموزان توسط برنامه‌ای منظم و تائید شده برای کسب دانش، مهارت‌ها و رشد شخصیت

1.Shadow education
2.bray & lykins
3.Chan
4.Mawer

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

است (آرین، ۱۳۸۸). افراد سعی دارند از این بازار برای خود، سود مالی کسب کنند، بنابراین مشاهده می‌شود که این افراد از طریق تلویزیون، مجله، کلاس‌های حضوری و... به داوطلبان مشاوره می‌دهند و هرچند اکثر این نظرات صحیح هستند اما کثرت آن باعث سردرگمی داوطلبان شده و از طرفی هزینه‌هایی را به داوطلبان تحمیل می‌کنند (سجادی، کرم دوست، دُرانی، صالحی و مقدم‌زاده، ۱۳۹۶) که این هزینه‌ها موجب تشدید تضاد طبقاتی خواهد شد. معلمان مدارس رسمی دانش‌آموزان خود را به شرکت در نهاد آموزش سایه تشویق می‌کنند با این تفکر که شرکت در این نهادهای غیررسمی موجب ارتقای دانش‌آموختگان می‌شود. این نهادها با تبلیغاتی متفاوت ازجمله تغذیه سعی در جذب بیشتر دانش‌آموزان دارند (ماوور، ۲۰۱۵)، در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا عملکرد نادرست آموزش‌وپرورش باعث پیدایش این نهادهای موازی است؟ در جواب این سؤال می‌توان گفت در برخی موارد عملکرد نادرست موجب پدید آمدن این نهادهاست؛ ولی لزوماً این‌طور نیست. در کتاب تربیت سایه به این نکته اشاره است که در برخی کشورهای دارای آموزش‌وپرورش با عملکرد بالا هم‌نهادهای این‌چنین در حال فعالیت است (بری و لیکینز، ۲۰۱۲). بررسی‌های انجام‌گرفته نشان داد مطالعه‌ای عمیق در خصوص شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی انجام‌نشده است. بنابراین سؤال اصلی در پژوهش حاضر این است که چالش‌های شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی چیست و این پژوهش تلاش دارد بدان پاسخ دهد.

پیشینه‌ی پژوهش

طبق اعلامیه سازمان ملل متحد به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنی بر اجباری و رایگان بودن آموزش‌وپرورش ابتدایی، نگرانی‌های بسیاری در مورد خصوصی‌سازی نظام‌های آموزشی و پرورشی و تأثیر ایدئولوژی نئولیبرال[1] وجود دارد. نظام‌های آموزش سایه با گرفتن هزینه از دانش‌آموزان به‌جای آموزش رسمی رایگان، خانواده‌ها مخصوصاً خانواده‌های کم‌درآمد را دچار یک مشکل اساسی می‌کنند. همچنین موجب کاهش افراد برای تحصیل آکادمیک و درنتیجه سرکوب بسیاری از استعدادهای موجود در افرادی که نمی‌توانند هزینه‌های آموزش را بپردازند، می‌شود که به‌طور مؤثر نافی حق بنیادین همه کودکان به آموزش ابتدایی می‌گردند (بری و کو[2]، ۲۰۱۳).

شرکت در آموزش‌های غیررسمی و خود این موسسه‌ها هزینه‌های گزافی به دنبال خواهند داشت. اگر این هزینه‌ها نتوانند به نفع همه‌ی طبقات موجود در جامعه برای مثال دانش‌آموزانی که دست‌یابی کمی به دلایل مختلفی ازجمله اقتصادی دارند، شود؛ نه‌تنها ممکن است موجب ناکارآمدی این موسسه‌ها بلکه کمکی به نابرابری اجتماعی باشد

1.Neoliberal
2.Kwo

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

(سیلویا[1] و همکاران به نقل از لویلکا و زاکارف،[2] ۲۰۱۶). تربیت سایه ممکن است به نیازهای برخی از دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه پاسخ ندهد و با توجه به‌صرف هزینه‌ها و وقت، باعث صدمات جبران‌ناپذیری به دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها گردند و همچنین تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۱۸، دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها در سراسر جهان در تمام مقاطع تحصیلی، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال در تربیت سایه هزینه کنند (فوربس،[3] ۲۰۱۲)، این نوع تربیت دارای سابقه طولانی و مقیاس قابل‌توجهی در مناطق مختلف جهان است (کاسوتاکیس و وردیس[4]، ۲۰۱۳). گسترش این پدیده در یونان نشان می‌دهد که در طول قرن بیستم و در سال‌های ۲۰۱۰/۱۱، نزدیک به ۶۰ درصد از دانش‌آموزان متوسطه در مؤسساتی که به‌عنوان تدریس خصوصی شناخته می‌شده‌اند، حضور داشتند. در مصر، ۱۹۹۰-۱۹۹۱ بررسی دانش‌آموزان کلاس‌های ۵ و ۸ نشان داد که ۶۵ درصد دانش‌آموزان شهری و ۵۳ درصد از دانش‌آموزان روستایی تدریس خصوصی دریافت می‌کردند. یک دهه ونیم بعد، در گزارش ۲۰۰۵ (هارتمن،[5] ۲۰۱۳) نشان داد که ۶۴ درصد از خانواده‌های شهری و ۵۴ درصد از خانواده‌های روستایی برای تدریس خصوصی هزینه‌هایی پرداخت نمودند. طبق بررسی انجام‌شده در سال ۲۰۱۵ در کشور انگلستان، ۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان به پرسش آیا تابه‌حال تدریس خصوصی در مدرسه و یا تدریس خصوصی در خانه دریافت کرده بودند پاسخ مثبت دادند؛ ۴۴ درصد از پاسخ‌های مثبت در لندن بود (تروست[6]، ۲۰۱۵).

محققان و سیاست‌گذاران به‌طور فزاینده به اهمیت تربیت سایه پی برده و هنگام ارزیابی داده‌های بین‌المللی پیشرفت تحصیلی، آن را در نظر می‌گیرند (اسکیو. هودگن. حسین و برتسچر[7] و همکاران ۲۰۱۰، سونگ، پارک و سونگ[8]، ۲۰۱۳) دسترسی عادلانه به آموزش باکیفیت (یونسکو[9]، ۲۰۱۲)، زندگی دانش‌آموزان، معلمان و خانواده آن‌ها در نظر می‌گیرد (صبحی[10]، ۲۰۱۲؛ بوهاگیر و چتکوتی[11]، ۲۰۱۳)؛ تحصیلات والدین و سطح درآمد آن‌ها احتمال شرکت کردن در کلاس‌های خصوصی را افزایش می‌دهد (تانسل و بیرکان[12]، ۲۰۰۵). لویلکا و زاکارف (۲۰۱۶)، در پژوهشی

1Silova
2.Loyalka & Zakharov
3.Forbes
4.Kassotakis & Verdis
5.Hartmann
6.Trust
7.Askew, Hodgen, Hossain, & Bretscher
8.Song, Park &Sang
9.UNESCO (United Nations Educational And Cultural Organization)
10.Sobhy
11.Buhagiar & Chetcuti
12.Tansel & Bircan

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

با عنوان «با توجه به فقدان شواهد علی از کشورهای درحال‌توسعه، تحقیقی با عنوان آیا آموزش سایه دانش‌آموزان را برای ورود به دانشگاه کمک می‌کند؟ شواهدی از روسیه»، تأثیر شرکت در آموزش سایه (تدریس خصوصی و یا دیگر فعالیت‌های علمی مبتنی بر هزینه‌های خارج از تحصیلات رسمی) در دانش‌آموزان دبیرستان را بررسی کردند که یافته‌های آن‌ها نشان داد تربیت سایه اثرات مثبتی در ورود افراد به دانشگاه داشته ولی دانش‌آموزانی که توان دستیابی به این نوع آموزش‌ها را نداشتند باکیفیت پایین در آزمون‌ها شرکت می‌کنند که به‌نوبه خود، منجر به نابرابری در دسترسی به کالج و نابرابری اجتماعی می‌گردد؛ بنابراین، آموزش‌وپرورش خصوصی موجب تشدید نابرابری‌های آموزشی موجود است (کِیربی[1]، ۲۰۱۶). تربیت سایه مدت طولانی است که پدیده قابل‌توجهی در شرق آسیا است (زانگ[2] و بری، ۲۰۱۶؛ سیث[3]، ۲۰۰۲). هنگ‌کنگ نرخ بالای ثبت‌نام را در آموزش سایه دارد. اگرچه برنامه درسی رسمی به خلاقیت و تفکر انتقادی اهمیت می‌دهد ولی خیلی از دانش‌آموزان برای پشت سر گذاشتن آزمون‌ها، ترجیح می‌دهند در کلاس‌های خصوصی بزرگ باقاعده شرکت کنند (چن[4] و بری، ۲۰۱۴). دِکاسترو و دِگازمِن[5] (۲۰۱۴) در تحقیقی که با عنوان، «یک مدل معادلات ساختاری از عوامل مؤثر در رضایت از آموزش سایه و اهداف رفتاری روی دانشجویان فیلیپینی» انجام دادند؛ عواملی ازجمله نیاز به موفقیت، جبران و نگرش خودکارآمدی، کیفیت پایین آموزش رسمی و نگرش خانواده‌ها در مورد فرزندان را شناسایی کرده‌اند. آموزش سایه بخش مهم و تکمیلی از آموزش‌وپرورش در هنگ‌کنگ است که با جدا شدن این کشور از چین بیش‌ازپیش گسترش‌یافته است. بیشترین انگیزه گسترش این نوع آموزش شاید به انتقال سیاسی مرتبط باشد. این پدیده تابه‌حال تأثیرات معنی‌دار و پیامدهای زیادی بر زندگی جوانان و خانواده‌های آن‌ها داشته است. آموزش سایه اگرچه توانسته تا حدی کاستی‌های تحصیل رسمی را جبران کند اما در اصل موجب تضعیف آموزش‌وپرورش رسمی و تشدید نابرابری اجتماعی شده است؛ با توجه به ارزیابی‌های استاندارد موجود، دانش‌آموزان به دلیل رقابت علمی به‌طور فزاینده‌ای در این نوع کلاس‌ها شرکت می‌کنند (یانگ[6] و بری، ۲۰۱۷).

بررسی پژوهشگران نشان داد که باوجود مخاطره متنوع در خصوص تشویق دانش‌آموزان و اولیا به استفاده از دوره‌های تست‌زنی در مدارس، اما مطالعه کافی در خصوص مزایا و مضرات استفاده از این دوره‌ها صورت نپذیرفته

1.Kirby
2.Zhang
3.Seth
4.Chan
5.De Castro & De Guzman
6.Yung

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

است؛ بنابراین در این تحقیق، تلاش شده است تا با تحلیل ادراک و تجربه زیسته داوطلبان برتر، تأثیر ثبت‌نام در کلاس‌های موسوم به تست‌زنی بر عملکرد دانش‌آموزان در آزمون کنکور سراسری، مورد واکاوی قرار گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

در مطالعه حاضر از روش پدیدارشناسی و از فن مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده‌شده تا با شناختی عمیق از پدیده، بسیاری از زوایای نهفته آن آشکار گردد. در میدان پژوهش ازنظر متخصصین حوزه تعلیم‌وتربیت و افرادی که در کنکور سراسری کارشناسی و کارشناسی ارشد، رتبه‌ی بالا کسب نموده بودند و تمایل به همکاری داشتند استفاده‌شده است. در این مطالعه از نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی که ملاک آن قبولی در کنکور کارشناسی و یا کارشناسی ارشد با رتبه‌های تک‌رقمی، علاقه‌مند به شرکت در پژوهش و جنسیت همه آن‌ها پسر (به علت دسترسی راحتر در خوابگاه و امکان داشتن شماره تلفن برای مصاحبه مجدد از جنس پسر استفاده شد) بودند بهره برده‌ایم. به خاطر رعایت اصول اخلاقی از ذکر نام رشته و رتبه آن‌ها خودداری شده است. در جدول ۱ ویژگی‌های فردی دانشجویان مشارکت‌کننده در پژوهش آورده شده است.

جدول ۱ ویژگی‌های فردی مشارکت‌کننده در پژوهش

شماره مشارکت‌کننده	سن	دوره	تحصیلات		شماره مشارکت‌کننده	سن	دوره	تحصیلات	
			پدر	مادر				پدر	مادر
۱	۲۳	ارشد	دیپلم	نهم	۱۰	۲٤	کارشناسی	ارشد	یازدهم
۲	۲۵	ارشد	پنجم	یازدهم	۱۱	۲۲	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی
۳	۳۰	ارشد	-*	–	۱۲	۲۰	کارشناسی	دکتری	دکتری
٤	۲۰	کارشناسی	ارشد	ارشد	۱۳	۲۲	کارشناسی	دیپلم	دیپلم
٥	۲۲	ارشد	دکتری	ارشد	۱٤	۲۵	ارشد	ارشد	دکتری
٦	٤۲	متخصص	–	–	۱۵	٤۵	متخصص	–	–
۷	۳۷	متخصص	–	–	۱٦	۲۱	کارشناسی	دیپلم	کارشناسی
۸	۲۱	کارشناسی	دیپلم	ارشد	۱۷	۲۰	کارشناسی	ارشد	کارشناسی
۹	۲۳	ارشد	هشتم	دیپلم					

* منظور از (-) مشارکت‌کننده پاسخ نداده است.

بر طبق جدول ۱، حداقل زمان مصاحبه ۲۲، حداکثر ۴۵ و میانگین زمان برای کار مصاحبه‌ها ۲۹ دقیقه ۶۵ ثانیه بوده که در پانزدهمین مصاحبه به اشباع رسیدیم. برای اعتبار یابی تا هفدهمین نفر این روند ادامه پیدا کرد. با اجازه از

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

مشارکت‌کنندگان صحبت‌های آن‌ها ضبط و بلافاصله به‌صورت نوشته در کاغذ و سپس با نرم‌افزار واژه‌پرداز ورد[1] تایپ و ذخیره شد. بعد از پیاده‌سازی مورد تحلیل قرارگرفته و آنگاه مصاحبه بعدی انجام شد این چرخه آن‌قدر ادامه پیدا کرد تا به اشباع تمامی منابع اطلاعاتی، اطلاعات مشابهی را در اختیار بگذارند (گرادی[2]، ۱۹۹۸؛ فونتانلا، لوچسی، سیدل، رایس، توراتو و ملو[3]، ۲۰۱۱؛ به نقل از رنجبر، حقدوست، صلصالی، خوشدل، سلیمانی و بهرامی، ۱۳۹۱) رسیدیم.

در تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از روش هفت مرحله‌ای کلایزی (۱۹۹۷؛ به نقل از محمدزاده و صالحی، ۱۳۹۴) که روشی توصیفی است، استفاده‌شده است.

مراحل این روش، در تحقیق به شرح زیر انجام‌گرفته است:

۱) تمام توصیف‌های ارائه‌شده توسط شرکت‌کننده در مصاحبه که پروتکل نام دارد، خوانده‌شده تا پژوهشگر با آن خو گیرد؛

۲) به هر پروتکل مراجعه شد و جملات و عباراتی که مستقیماً به پدیده موردمطالعه مرتبط است استخراج‌شده، این مرحله با عنوان «استخراج جملات مهم» نام‌گذاری شده است؛

۳) تلاش شده است تا به معنای هر یک از جملات مهم پی برده شود که به این مرحله «فرموله کردن معانی» گفته می‌شود؛

۴) مراحل فوق برای هر پروتکل تکرار شده و معانی فرموله شده و مرتبط به هم در خوشه‌هایی از موضوعات اصلی قرارگرفته است؛

۵) نتایج در قالب یک توصیف جامع از موضوع موردپژوهش تلفیق‌شده است؛

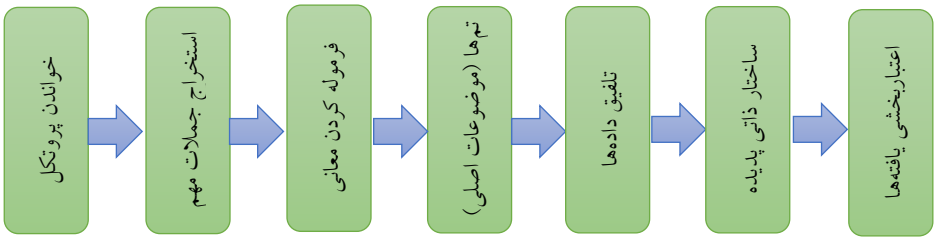
۶) توصیف جامع پدیده تحت مطالعه به‌صورت یک بیانیه صریح و روشن از ساختار اساسی پدیده موردمطالعه فرموله شده که اغلب تحت عنوان «ساختار ذاتی پدیده» نام‌گذاری شده است؛

1.Word
2.Grady
3.Fontanella, Luchesi, Saidel, Ricas, Turato & Melo

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

۷) اعتباریابی نهایی یافته‌ها با ارجاع مجدد به شرکت‌کنندگان انجام‌شده است (کلایزی، ۱۹۹۷؛ به نقل از محمدزاده و صالحی، ۱۳۹۴).



نگاره ۱: مراحل تحلیل داده‌ها

برگرفته از محمدزاده و صالحی (۱۳۹۴)

نگاره (۱) مراحل حاضر در این پژوهش را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به علت نو بودن موضوع و بهره‌گیری از رویکردی ژرفانگر، از پژوهش‌های پیشگام در این حوزه در ایران به شمار می‌رود. ازاین‌رو سعی شده تا با تکیه‌بر نکات استخراج‌شده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و یافته‌های بین‌المللی، پیامدهای تربیت سایه مورد واکاوی قرار گیرد. درمجموع ۲۴ زیر مضمون و ۴ مضمون کلی به دست آمد که مضمون، افت سواد دانش‌آموختگان با ۷ زیر مضمون، نخبه‌های کم‌درآمد با ۴ زیر مضمون، تضعیف تربیت رسمی با ۴ زیر مضمون و درنهایت مضمون نابرابری اجتماعی با ۹ زیر مضمون استخراج گردید.

مضمون ۱: افت سواد دانش‌آموختگان

منظور از "افت سواد دانش‌آموختگان" در این پژوهش کاهش خلاقیت و ابتکار را شامل می‌شود، گرچه به نظر می‌رسد محفوظات افزایش‌یافته ولی شواهد نشانگر کاهش چشمگیر سواد دانش‌آموختگان است که می‌توان اندازه‌گیری در سطوح پایین یادگیری، حفظ کردن مطالب، یادگیری سطحی مطالب، آماده شدن فقط برای پاسخگویی به آزمون‌های چندگزینه‌ای، بازشناسی مطالب، آموزش سطحی، عدم توانایی به کار بستن مطالب آموخته‌شده در زندگی واقعی و کم شدن قدرت تحلیل دانست.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

۱-۱ **ارزیابی در سطوح پایین یادگیری:** ازنظر بلوم یادگیری حوزه شناختی دارای سطوح مختلف دانش، فهمیدن، کاربستن، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی است، در آزمون‌های چهارگزینه‌ای بیشتر تا سطح کاربستن اندازه‌گیری می‌شود و توانایی اندازه‌گیری سطوح بالاتر را ندارد (سیف، ۱۳۹۴).

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" ارزشیابی که میشه واقعاً اون توانایی‌هایی رو که باس از ما اندازه بگیره رو نمیگیره. بعضی استادمون تو درس دادنشون حال ندارن تو سؤال طرح کردنم حال ندارن. سوالای پارسالو میدن، تستی میدن، تازه بعضیاشون اصن تصحیح نمیکنن."

۱-۲ حفظ کردن مطالب: برخی از دانش آموزان، در مدرسه بهترین نمره‌ها را می‌گیرند چون فهمیده‌اند که قبل از امتحان چطور درس بخوانند که سر جلسه، مطالب در ذهنشان باشد اما معمولاً بعد از امتحان همه یا بخش بیشتر مطالب را فراموش می‌کنند؛ این روش درس خواندن، حفظ کردن است. در پاسخگویی به آزمون‌های چندگزینه‌ای هم شاهد حفظ کردن مطالب برای پاسخگویی به موقعیت پیش روی هستیم.

دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"به نظرم یادگیری با حفظ کردن فرق داره، چیزایی که حفظ بشن خیلی سریع از یاد آدم میره و برا بعضی آزمونا این جور خوندن جواب میده، من خودم هر وقت درسی مثل روانشناسی داشتم بیشتر برا همون جلسه امتحان (تستی) حفظ کردم و هر وقتم معلم یا استاد تشریحی میگرفت بیچاره بودم و نمره کم میگرفتم."

۱-۳ یادگیری سطحی مطالب: گردآوری معلومات بی‌ربط به هم مانند اسم آدم‌ها، مکان‌ها و تاریخ وقایع است؛ این رویکرد یادگیری را چیزی می‌بیند که می‌توان آن را با عقربه سوخت، اندازه‌گیری کرد که از خالی شروع می‌شود و باید تا پُر شدن پیش برود. این رویکرد به یادگیری اتمیستی شهرت دارد چون وقتی ما به‌طور سطحی یاد می‌گیریم میزان دانسته‌هایمان را به شکل یک توده می‌بینیم نه به‌صورت کیف پولی که می‌توان آن را روی‌هم گذاشت و پس‌انداز کرد. وقتی زمان ارزشیابی این یادگیری برسد به فنون مرور و رویه‌های معمولی مثل حفظ کردن نیاز پیدا می‌کنیم مشکل اصلی یادگیری سطحی هم وقتی بروز می‌کند که مجموعه اطلاعاتی که با آن‌ها سروکار داریم بسیار گسترده شود (محمودی، ۱۳۸۹).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1397.10.3.3.0]

دانشجوی ۲۰ ساله کارشناسی می‌گوید:

"چیزی که حفظ شه با دونسته‌های قبلیت ارتباطی نداشته باشه یا ربطی بهشون ندی مطلبو عمقی یاد نمیگیری، تو سوالای تستیَم اینجوریه که ی جور میخونی که موقع امتحان بتونی جواب درستو بین اونا تشخیص بدی."

۱-۴ آمادگی برای پاسخگویی به آزمون‌های چندگزینه‌ای: به نظر می‌رسد داوطلبینی که در آزمون‌های متعدد و یا به سؤال‌های چندگزینه‌ای بیشتری قبل از آزمون اصلی، پاسخ می‌دهند در آزمون چندگزینه‌ای نتیجه بهتری کسب می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر دانش‌آموزان و یا دانشجویان زمانی که با آزمون‌های چندگزینه‌ای آزمون می‌شوند خود را هر چه بیشتر برای پاسخگویی به آزمون چندگزینه‌ای آماده و با آن‌ها آشنایی بیشتری پیدا می‌کنند.

دانشجوی ۳۰ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"خیلیا جوری میخونن که فقط میتونن تست جواب بدن اگه همون سوالو تشریحی بهشون بدی نمیتونن جواب بدن و کلا قاطی میکنن."

۱-۵ آموزش سطحی: کلاس‌های غیررسمی بیشتر سعی در یاددهی مطالبی دارند که افراد شرکت‌کننده در کلاس‌های آن‌ها بهترین عملکرد را داشته باشند تا با ترغیب بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان، منابع مالی خود را کسب کنند ازاین‌رو به عمق دانش توجهی نمی‌شود و آموزش‌های سطحی برای پاسخگویی به سؤالات ارائه می‌شود.

دانشجوی ۲۴ ساله کارشناسی می‌گوید:

" اساس کلاسای تست‌زنی اینه که به شما یاد بدن چیجوری تستو تجزیه و تحلیل کنی و جوابه درستو تشخیص بدی. حتی بعضی‌هاشون ادعا میکنن که هیچی هم نخونده باشی با این کلاسا میتونی خیلی سوالا رو جواب بدی."

۱-۶ ناکارآمدی در به کار بستن مطالب آموخته‌شده در زندگی واقعی: بعضی از دروس مختلف ارائه‌شده در مدارس در زندگی واقعی کاربرد دارد. باید با مطرح نمودن کاربردهای درست و صحیح مطالب در زندگی و با مطرح کردن آنچه قابل‌لمس است، دانش‌آموز را مشتاق دروس خاصی کرد و پس از ایجاد اشتیاق موضوعات مشکل و حتی غیرکاربردی هم برای دانش‌آموز شیرین خواهد شد، ازجمله می‌توان به کاربرد دانش مثلثات در زندگی واقعی اشاره‌کرد؛ به نظر می‌رسد با رشد بیشتر آموزش سایه و ادعای آن‌ها در مورد جواب دادن صحیح به تست‌ها بدون توانایی آموخته شدن کامل مطالب، توان کاربست مطالب در زندگی واقعی کاهش یابد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" توکار زمانی پیش اومد که ساختمانی ساخته‌شده بود و خواستیم آسانسور معلولین را حذف کنیم و ی سطح شیبدار برا عبور ویلچر بذاریم. با توجه به طول حیاط و ارتفاع پله‌ها و مقدار مجاز شیب، فهمیدم که از دانش مثلثات و ریاضی میشه به خوبی استفاده کرد."

۱-۷ کم شدن قدرت تحلیل: تحلیل در سطح چهارم حیطه شناختی یادگیری بلوم قرار می‌گیرد. منظور از آن شکستن مواد یا مطالب به عناصر تشکیل‌دهنده و توصیف روابط میان آن‌هاست (سیف، ۱۳۹۴)، در خیلی از موارد شاهد آن هستیم که دانشجویان قادر به تحلیل کردن مواد و مطالب درسی یا مطالب پیرامون خود نیستند.

دانشجوی ۲۳ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" متنی استاد به ما داده بود و از ما خواسته بود تا به‌طور کامل تحلیلش کنیم خیلی‌ها نتونستن تحلیلش کنن و بیشتر داشتن بازگویی میکردن."

مضمون ۲: نخبه‌های کم‌درآمد

" نخبه‌های کم‌درآمد" به دانشجویانی اطلاق می‌شود که به لحاظ هوشی و تحصیلی در سطوح بالایی قرار دارند، ولی ازنظر مالی توانایی کم یا بسیار کمی را دارا هستند، که در بعضی مواقع امکان ادامه تحصیل را ندارند. این افراد در رقابت با دانشجویان متمکن دچار سرخوردگی، ارعاب، مواجهه با فرصت‌های نابرابر و روابط تعاملی بین هویت طبقاتی و تجربه دانشگاه، می‌شوند (اریز و سیدر[1]، ۲۰۰۵). این مضمون را می‌توان مشکلات مالی والدین افراد بااستعداد، کار کردن ضمن تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان باهوش کم‌درآمد، عدم ثبت‌نام افراد نخبه در کلاس‌های فوق‌برنامه به دلایل مادی، شرکت نکردن افراد قوی در کلاس‌های مربوط به آزمون‌های چندگزینه‌ای به علت نداشتن پول کافی و ترک تحصیل افراد بااستعداد توصیف کرد.

۲-۱ کارکردن ضمن تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان باهوش کم‌درآمد: یکی از عواملی که موجب افت تحصیلی افراد باهوش می‌شود کار کردن آن‌هاست؛ به دلایل مختلفی از قبیل نداشتن پدر و یا پدرومادر، متأهل بودن و مستقل زندگی کردن. خیلی از این دانش‌آموزان و دانشجویان مجبور به کار کردن و کسب درآمد هستند و نمی‌توانند در کلاس‌های غیررسمی شرکت کنند و با دیگران رقابت کنند پس به‌ناچار تصمیم به ترک تحصیل گرفتند.

[1] Aries & Seider

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

دانشجوی ۲۳ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"رفیقی داشتم که هم کار می‌کرد و هم‌درس می‌خوند وقتی کار نداشت نمراتش عالی بود و روزایی که کار می‌کرد نمراتش از متوسط کلاسمون بالاتر بود حیف شد بخاطر نداشتن پدر خرج خونواده به دوش اون بود و نتونست درسشو ادامه باده البته بیشترش برا کلاسای تقویتی و کنکور و اینجور چیزا بود که درسشو ول کرد."

۲-۲ عدم ثبت‌نام افراد نخبه در کلاس‌های فوق‌برنامه به دلایل مادی: افراد نخبه به دلیل آگاهی از توانایی‌های خود و فقدان پول کافی در کلاس‌های غیررسمی شرکت نمی‌کنند و در مواقعی از همین نقطه ضربه می‌خورند.

دانشجوی ۲۰ ساله کارشناسی می‌گوید:

" شاگرداول شهرمون که ظاهراً وضع خونوادگیشون چندان مناسب نبود تو هیچ کلاسی غیر از کلاسای مدرسه شرکت نمی‌کرد و همه ما توقع رتبه یکی رو ازش داشتیم ولی موقع اعلام نتیجه رتبه اش زیر صد هم نشد."

۲-۳ شرکت نکردن افراد قوی در کلاس‌های مربوط به آزمون‌های چندگزینه‌ای به علت نداشتن پول کافی: هزینه‌های کلاس‌های مربوط به آزمون‌های چندگزینه‌ای گاهی آن‌قدر زیاد است که خیلی‌ها توان شرکت کردن در این کلاس‌ها را ندارند این قاعده برای دانش‌آموزان و دانشجویان قوی که تمکن کافی ندارند بیشتر صدق می‌کند؛ آن‌ها برای اینکه هزینه اضافه بر دوش خانواده نگذارند در این کلاس‌ها شرکت نمی‌کنند و صرفاً به توانایی خود، درس‌ها و کتاب‌های معمول خود اکتفا می‌کنند.

دانشجوی ۲۳ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"منو دوستم که هردومون از شاگردای قوی کلاس بودیم برا عقب نموندن از بقیه، ی کلاس تست زنی رفته بودیم؛ برای ی درس ۳۵۰ هزار تومن میخواست بیخیال شدیم حالا برا من که وضع مالیم بد نبود این مبلغ زیاده چه برسه به دوستم که کله‌اش سوت کشید."

۲-۴ ترک تحصیل افراد بااستعداد: آغاز سال تحصیلی معمولاً برای هر خانواده‌ای با دغدغه تأمین هزینه‌های تحصیل همراه است و این دغدغه برای خانواده‌های کم‌درآمد خیلی جدی‌تر است. به نظر می‌رسد در بین این خانواده‌ها، افرادی بااستعداد خدادادی وجود دارند که در مقاطع مختلف تحصیلی جزء گروه قوی کلاس خود هستند ولی بعضی از آن‌ها به دلیل مشکلات مادی قادر به ادامه تحصیل نیستند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

دانشجوی ۲۳ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" چندتا از دوستای صمیمی‌دوره‌های مختلف تحصیلیم که با هم دیگه جزء ۵ تای اول بودیمو بعضی وقتا در حال دستفروشی و... میبینم و پیش خودم خیلی ناراحت میشم، اگه اونا هم تو خونواده‌های پولدار به دنیا میومدن الان جاشون بهترین دانشگاه‌ها و بهترین شغلابود."

مضمون ۳: تضعیف تربیت رسمی

با شیوع کلاس‌های غیررسمی، روش‌های تیزی یا خبرگی آزمون (تست‌زنی) و هر چه بیشتر همگام شدن آن با آزمون‌های مختلف موجب"تضعیف تربیت رسمی" است. به نظر می‌رسد تربیت رسمی به علت عدم آمادگی برای این نوع آزمون‌ها جایگاه و اعتبار خود را ازدست‌داده است ازاین‌رو عدم مشارکت و روی آوردن معلمان و دانش‌آموزان به کلاس‌های متفرقه موجب تضعیف شدن هرچه بیشتر تربیت رسمی شده است. تضعیف تربیت رسمی را می‌توان بی‌علاقگی به شرکت در کلاس‌های رسمی، افزایش مشارکت‌کنندگان در کلاس‌های متفرقه، دیدگاه‌های بیهوده بودن تربیت رسمی و محوریت یافتن مدرک گیری از نهادهای رسمی دانست.

۳-۱ کاهش علاقه به شرکت در کلاس‌های رسمی: در برخی از موارد دانش‌آموزان و دانشجویان را می‌بینیم که در کلاس‌های رسمی یا شرکت نمی‌کند و یا حواس آن‌ها اصلاً به کلاس درس نیست و اظهار بی‌علاقگی می‌کنند.

دانشجوی ۳۰ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" یکی از دوستام میگفت همکلاسیش تو کارشناسی و ارشد اکثر کلاسای صبحشو خواب بود. همیشه هم استادا بهش تیکه مینداختن ولی اون یا نمیخواست یا نمیتونست زود بیاد. اوایل میگفتیم شاید کار میکنه، بعدا فهمیدیم میره کلاسای تست و زبان و اینجور چیزا."

۳-۲ افزایش مشارکت‌کنندگان کلاس‌های متفرقه: قبولی در دانشگاه و در برخی موارد دانشگاه‌های معتبر کشور موجب استقبال بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان درکلاس‌های متفرقه شده است و احتمالاً روند حاضر موجب افزایش این نوع کلاس‌ها و درنتیجه افزایش مشارکت‌کنندگان آن شده است.

دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" هرروز دم در دانشکده‌مون افراد مختلف برگه‌های تبلیغاتی جورباجوری از کلاسای کنکور رو پخش میکنن. من به یکی از این کلاسا که جلسه اولشو رایگان گذاشته بود رفتم، جای سوزن انداختن نبود. جوری شلوغ شده بود که بقیه میرفتن ی روز دیگه بیان."

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1397.10.3.3.0]

۳-۳ افت جایگاه تربیت رسمی: تربیت رسمی به علت ارائه خدمات متفاوت و رایگان بودن موردتوجه همگان بوده است ولی به نظر می‌رسد با رشد کلاس‌های غیررسمی و متفرقه، تربیت رسمی از رونق خود افتاده یا حضور آن کم‌رنگ‌تر و در بعضی موارد بیهوده تلقی می‌شود.

دانشجوی ۲۴ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"ی پسره بود هر وقت تو دانشکده منو میدید میرم کلاس میگفت بابا نرو از وقتت درست استفاده کن برو کتابخونه بشینی بخونی بیشتر یاد میگیری برا آزمون دکتری هم چیزایی که میگن اصن بدرد نمیخوره، منو ببین بیشتر وقتمو تو کتابخونه ام یا بیرون کلاس میرم."

۴-۳ محوریت یافتن مدرک گیری از نهادهای رسمی: شاید یکی از دلایلی که هنوز نهادهای رسمی پابرجا مانده‌اند به خاطر گواهی و مدرکی است که در پایان دوره‌ی تحصیل ارائه می‌کنند، شاید محور حضور بعضی از شرکت‌کنندگان در نهادهای رسمی، مدرک این نهادهاست که اگر این گواهی و مدرک در نهادهای غیررسمی ارائه می‌شد هیچ‌گاه به سراغ نهاد رسمی نمی‌آمدند.

دانشجوی ۲۰ ساله کارشناسی می‌گوید:

"دانش‌آموزانی رو دیدم که فقط مدرکو میخواستن بگیرن که بتونن تو آزمون کنکور شرکت کنن، براشون یادگیری مهم نبود ومیگفتن که جای دیگه بهتر از اینجا بهشون یاد میدن که تو آزمون به دردشون بخوره."

مضمون ۴: نابرابری اجتماعی

نابرابری به‌طور کلی‌تر به آن دسته از تفاوت‌هایی میان افراد اشاره دارد که بر نحوه زندگی آن‌ها، تأثیر می‌گذارند، " نابرابری اجتماعی" وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نابرابری به منابع باارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند. این نابرابری، هنگامی روی می‌دهد که افراد و گروه‌ها، یکدیگر را درجه‌بندی و سپس ارزیابی کنند؛ مهم‌ترین مسئله در نابرابری‌های اجتماعی، ناشی از موقعیت‌های متفاوت در ساختار اجتماعی است (طهماسبی، میرزایی و کامرانی، ۱۳۹۱). نابرابری اجتماعی را می‌توان شرکت نکردن کل دانش‌آموزان و دانشجویان در کلاس‌های متفرقه، نادیده گرفتن قشر کم‌درآمد جامعه، غالب شدن قشر سرمایه‌دار، تک‌بعدی شدن جامعه، عدم استفاده از همه ظرفیت‌ها، پخش شدن شغل‌های مهم بین افراد خاص، درآمد بالای عده‌ایی خاص، افزایش احتمال کسب پست‌های بالاتر و تفاوت در میزان دسترسی دانست.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

۴-۱ شرکت نکردن کل دانش‌آموزان و دانشجویان در کلاس‌های متفرقه: ازآنجاکه برخی از دانش‌آموزان یا دانشجویان به دلایل مختلف ازجمله هزینه، در کلاس‌های غیررسمی شرکت نمی‌کنند رقابت در آزمون به‌صورت برابر انجام نمی‌پذیرد.

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" منو چنتا از دوستام پول شرکت در کلاسای تست زنی رو نداشتیم برا همی‌شرکت نکردیم و آزمون برا ما خیلی سخت‌تر از دوستای بود که تو اون کلاسا شرکت کرده بودن."

۴-۲ نادیده گرفتن قشر کم‌درآمد جامعه: کلاس‌های تست‌زنی چون اساساً" بر مبنای پول و کسب درآمد بناشده‌اند پس افراد کم‌درآمد توان شرکت در این نوع کلاس‌ها را ندارند و به‌نوعی به بوته فراموشی سپرده می‌شوند.

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" اونایی که سطح درآمدیشون پایینه نمی‌تونن تو کلاسای تست‌زنی شرکت کنن."

۴-۳ غالب شدن قشر سرمایه‌دار: وجود کلاس‌های متفرقه و تست‌زنی موجب ارتقای قشر سرمایه‌دار می‌شود؛ آن‌ها با هزینه‌های زیاد در آزمون‌های مختلف موفق می‌شوند و بعضی از کرسی‌های رشته‌های خوب دانشگاهی، همچنین مشاغل مهم را تصاحب می‌کنند اگرچه در این میان درون کلاس‌های تست‌زنی دانش‌آموزان و دانشجویانی یافت می‌شوند که از قشر سرمایه‌دار نیستند ولی تعداد آن‌ها خیلی کم است و اغلب توانایی شرکت در تمام کلاس‌هایی که قشر سرمایه‌دار شرکت می‌کنند را ندارند.

دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" رشته پزشکی این روزا رشته پردرآمدی هست و معمولاً اونایی که باباهاشون پولدارن میرن سمت رشته‌های پول‌درآر، البته توشون استثنا هم هست ولی بیشتر کسایی رو که من دیدم اینجوری بودن."

۴-۴ تک‌بعدی شدن جامعه: باوجود رشد روزافزون کلاس‌های تست‌زنی و هزینه‌های زیاد شرکت در آن، همچنین امکان استفاده از طیف خاصی از مردم از این نوع امکانات، به نظر می‌رسد که جامعه به سمت تک‌بعدی بودن پیش می‌رود.

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

"هر کی بابش بیشتر (پول) داره بیشتر خرج میکنه، کلاً شده ببینی کسی بخواد درس بخونه باباش پولدار باشه و موفق نشه؟ من که ندیدم. تازه ی نگاه کن فلانی ریس فلان جاست، دادشش فلان جا، اون یکی داداش...، خواهراش کارشون یکی از اون یکی بهتر. ی سری از شغلا خونوادگی ماله این جور آدماست. بقیه‌ی درپیت به ما میرسه."

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1397.10.3.3.0]

۴-۵ عدم استفاده از همه‌ی ظرفیت‌ها: وجود کلاس‌های تیزی آزمون و امثال آن، همچنین هزینه‌های شرکت در آن موجب نادیده گرفتن بخشی از افرادی می‌شود که به دلایل مختلف در این کلاس‌ها شرکت نمی‌کنند و در عمل شاید از تمام ظرفیت‌های موجود در کشور نتوان استفاده کرد.

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" کلاسای تست‌زنی باعث میشه که بعضیا که تواناییشو دارن نتونن به جاهایی که حقشونه برسن و بتونن برا جامعه مفید باشن."

۴-۶ افزایش احتمال کسب مشاغل مهم بین افراد خاص: باوجود کلاس‌های تست‌زنی و هزینه‌های زیاد این نوع کلاس‌ها افراد معدودی توان پرداخت هزینه‌های آن رادارند، کرسی‌های رشته‌های خوب در دانشگاه‌های معتبر را کسب می‌کنند و احتمالاً در آینده‌ای نزدیک مشاغل مرتبط مختص همین افراد خواهد شد.

دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" شما ببینید وقتی کسی پول بیشتری داره معلومه تو کلاسای بیشتری شرکت میکنه و احتمال موفقیش بیشتره و بعدش مشخصه دیگه شغلای خوب مال ایناست."

۴-۷ درآمد بالای عده‌ایی خاص: به نظر می‌رسد کلاس‌های تست‌زنی موجب می‌شود که طیف خاصی در رشته-هایی که آینده شغلی مناسب و درآمد بالایی دارند در دانشگاه پذیرفته شوند و پس از فارغ‌التحصیلی وارد بازار کار شوند.

دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" خوب وقتی شغلای خوب مال ایناست پول خوبم ماله ایناست البته داشتیم دانشجویی که با کار کردن و کتاب تست خریدن تونسته موفق بشه و الان درآمد خوبی داره ولی تعدادشون خیلی کمه."

۴-۸ افزایش احتمال دستیابی به پست‌های بالاتر: احتمالاً کسب کرسی‌های خوب و معتبر دانشگاهی سبب به دست آوردن شغل‌های مناسب و به‌تبع آن قدرت و نفوذ سیاسی آن‌ها می‌گردد، قدرت سیاسی کشور به دست عده‌ی معدودی از مردم می‌افتد و به‌صورت برابر تقسیم نمی‌شود.

دانشجوی ۳۰ ساله کارشناسی ارشد می‌گوید:

" شغل خوب باشه پول خوبم هست پول خوب باشه قدرتم باهاش میاد، اینجوریه که قدرت سیاسی همیشه دست ی عده هست. من وقتی ریس ی جا باشم که خیلی از افرادا کارشون گیر من بیافته ب

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

درست کردن کارشون ی جوری دین به گردنشون هست و موقعی که کارم لنگ شه میتونم از این تونلا برا خودم استفاده کنم."

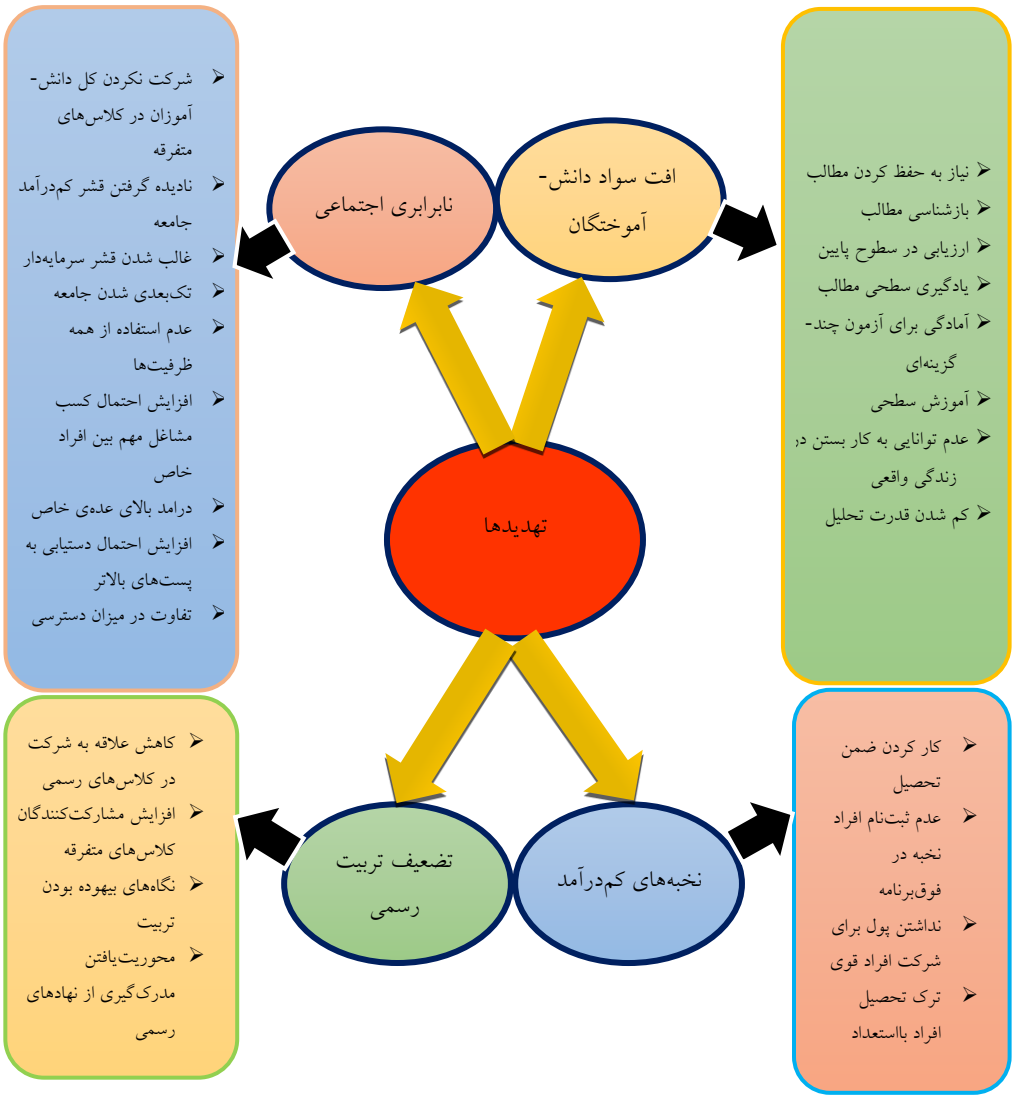
۴-۹ تفاوت در میزان دسترسی: اکثر امکانات، تجهیزات و همچنین اساتید معتبر کلاس‌های تیزی آزمون و متفرقه در شهرهای بزرگ هستند و این نوعی نابرابری خواهد بود؛ چراکه مردم شهرهای کوچک برای دسترسی به این نوع کلاس‌ها یا باید به شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت نموده و یا فقط از کتاب‌های آن‌ها استفاده کنند.

دانشجوی ۲۱ ساله کارشناسی می‌گوید:

"منی که از شهر کوچیک و یا روستام نمیتونم تو خیلی از کلاسای تست‌زنی شرکت کنم چون اصن شهر ما نمایندگی نداره یا اونی که هست به کیفیت جای دیگه نیست."

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]



نمودار ۱ پیامدهای شکل‌گیری تربیت سایه در نظام آموزشی

برگرفته از پژوهش حاضر

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

نمودار ۱ به‌طور کامل تهدیدهای پیش روی شرکت در کلاس‌های تست‌زنی (تیزی آزمون) که از پژوهش حاضر کسب شد را نشان می‌دهد. در جدول ۲ برای نمونه کدگذاری، زیر مضامین و مضامین، از مصاحبه‌های مختلف استفاده‌شده تا نحوه استخراج مضامین نمایان گردد.

جدول ۲ نمونه کدگذاری مصاحبه

مضمون	زیر مضمون	روایت‌های برگرفته از مصاحبه‌ها
افت دانش‌آموختگان	نیاز به حفظ کردن مطالب بازشناسی مطالب آموخته‌شده	*معمولاً چیزایی رو ازمون آزمون میگیرن که بیشتر نیاز به حفظ کردن داره. با دیدن گزینه ها راهنمایی میشی تا گزینه درستو انتخاب کنی.*
	آموزش سطحی	*من تو کلاس کنکور شرکت کردم میگفتن بدون این که مطلبو خونده باشی فقط با دونستن جنتا نکته میتونی جوابو درست بزنی و دیدم که درست گفتن.*
	کم شدن قدرت تحلیل	*متاسفانه دانشجویانی دیدم که توانایی تحلیل جزعی ی بحثو ندارن و نمیدونم واقعا اینا چطوری تو کنکور موفق شدن.*
	اندازه‌گیری در سطح پایین یادگیری یادگیری سطحی مطالب	*چون آزمون تستیه به نظرم نمیتونه خوب سواد فرد رو بسنجه و خیلی وقتا با کمی‌خوندن میشه به سوالاتش جواب داد.*
	آمادگی برای پاسخگویی به آزمون‌های چندگزینه‌ای	*بعضی دوستام خودندنشون کلا فرق داره اونا درساشونو بیشتر جوری میخونن که به تست جواب بدن.*
	ناکارآمدی در به کار بستن مطالب آموخته‌شده در زندگی واقعی	*وقتایی پیش میان که نیاز به پیاده کردن مطالبی که قبلا یاد گرفتیم داریم، کمتر کسی رو تو این شرایط میبینم که میتونه از دونسته هاش استفاده کنه.*
نخبه‌های کم‌درآمد	کار کردن ضمن تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان باهوش کم‌درآمد	*خیلی‌ها برای اینکه از عهده مخارج پوشاک و خوراک خودشون بر بیان میرن سرکار و همزمان درسشون رو میخونن که اونجور که باید و شاید از عهده رقابت با بقیه برنمیان.*
	عدم ثبت‌نام افراد نخبه در کلاس‌های فوق‌برنامه به دلایل مادی	*دوستانی داشتم که باهوش بودن ولی هزینه‌های کلاس‌های فوق‌برنامه رو نداشتن و خیلی از کلاس‌هایی که دیگران میرفتن رو نمیتونستن برن.*
	شرکت نکردن افراد قوی در کلاس‌های مربوط به آزمون‌های چندگزینه‌ای به علت نداشتن پول کافی	*بعضی وقتا خانواده‌هایی رو میدیدم که توانایی مالی برای فرستادن بچه‌های زرنگشون به کلاس‌های تست‌زنی و مانند این رو نداشتن.*
	ترک تحصیل افراد بااستعداد	*چن‌تا از دوستام که درسشون خیلی‌خوب بود برا اینکه خونوادشون نمیتونستن خرج درس خوندشنو بدن و کتابا یا کلاسای متفرقه برن مجبور شدن درس خوندنو ول کنن برن دنبال کار کردن تا وقتشون تلف نشه.*

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

مضمون	زیر مضمون	روایت‌های برگرفته از مصاحبه‌ها
تضعیف تربیت رسمی	بی‌علاقگی به شرکت در کلاس‌های رسمی	*تو کلاسمون دانشجویانی میدیدم که سر کلاس نمیومدن یا اصلاً گوش به درس نمیدادن و در مقاطع بالاتر قبول میشدن.*
	افزایش مشارکت‌کنندگان کلاس‌های متفرقه	*کلاس‌های موازی با کلاس‌های خودمون روزبه‌روز شلوغ‌تر میشن و افراد بیشتری در اون به خاطر موفقیت شرکت میکنن.*
	افت جایگاه تربیت رسمی	*خیلی‌ها دیدیشون نسبت به تربیت رسمی‌خیلی باده و طوری هست که انگار حضورشون اجباریه.*
	مدرک گرفتن صرف از نهاد رسمی	*اگه برای شرکت در مدارج بالاتر نیاز به مدرک کلاس‌های نهاد رسمی‌نبود خیلی‌ها اصلاً در کلاس‌های درس شرکت نمی‌کرد.*
نابرابری اجتماعی	شرکت نکردن کل دانش‌آموزان و دانشجویان در کلاس‌های متفرقه	*به خاطر اینکه کلاس‌های غیررسمی نیاز به هزینه داره همه مردم نمیتونن در اون شرکت کنن.*
	نادیده گرفتن قشر کم‌درآمد جامعه	*هزینه‌های بالای کلاس‌های موازی کلاس رسمی باعث میشه افراد کم‌درآمد نتونن از اون استفاده کنن.*
	غالب شدن قشر سرمایه‌دار تک‌بعدی شدن جامعه عدم استفاده از همه ظرفیت‌ها	*وقتی همه‌ی مردم نمیتونن در کلاس‌های غیررسمی شرکت کنن اونایی که پول دارن بیشتر موفق میشن و جامعه به سوی تک‌بعدی بودن پیش میره. برا همین افرادی که احتمال داره در جامعه مؤثر باشن رو ازشون استفاده نمیشه.*
	افزایش احتمال کسب مشاغل مهم بین افراد خاص درآمد بالای عده‌ی خاص افزایش احتمال دستیابی به پست‌های بالاتر	*وقتی که همه شانس برابر که وارد دانشگاه بشَنو بخاطر وجود کلاس‌های کنکور ندارن خو معلومه که از کارهای حساس باز میمونن و مجبورن کاری متناسب و غیر متناسب با خودشون پیدا کنن. اونایی که کارهای خوبو گرفتن پوله خوبی هم میگیرن، قدرت سیاسی کشور رو هم بدست میارن.*
	تفاوت در میزان دسترسی	*چنتا شهر بزرگ به کلاس‌های غیررسمی دسترسی راحتر و توانایی شرکت کردن تو اونا رو دارن.*

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف شناسایی پیامدهای شکل‌گیری و گسترش تربیت سایه در نظام آموزشی انجام‌شده که نتایج آن شامل مضمون، افت سواد دانش‌آموختگان، نخبه‌های کم‌درآمد، تضعیف تربیت رسمی و درنهایت مضمون نابرابری اجتماعی می‌باشد. شواهد نشان می‌دهد که در دو دهه گذشته، موسسه‌های تربیتی (آموزشی) مجزا از سازمان‌های متولی تربیت رسمی، شکل‌گرفته‌اند. کم‌توجهی به این مؤسسات و راهبرد کلان آن‌ها، زمینه را برای تبدیل‌شدن به قدرت‌های بزرگ و تأثیرگذار بر معادلات و تصمیم‌های کلان را فراهم آورده است که غالباً در تصمیمات حساس، مبتنی بر منافع خود و نه مصالح جامعه، عمل نموده‌اند و به دلیل اثرگذاری بر خانواده‌ها، از حمایت میدانی وسیعی برخوردارند. پرواضح است که ضرورت دارد هر عاملی که زمینه‌ساز یا تشدیدکننده نابرابری اجتماعی باشد، مورد نظارت جدی نهادهای نظارتی قرارگرفته و مبتنی بر اسناد فرادستی کشور و در صورت زمینه‌ساز بودن تضاد، تصمیمات لازم اتخاذشده، راهبردی شوند تا از تبعات احتمالی خطرناکی که می‌تواند گسل‌های موجود در جامعه را متورم ساخته، به شیوه‌ای بیمارگونه به حرکت درآورده و گسست فرهنگی را موجب شوند، جلوگیری به عمل آید. به نظرمی رسد وابستگی به موسسه‌های غیررسمی، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش اثرپذیری دانش‌آموزان و دانشجویان از مدارس و دانشگاه‌ها، درنتیجه ناکارآمدی آموزش رسمی را در پی داشته باشند. این امر موجب می‌شود تا وظیفه‌ی اصلی شکوفایی نسل جوان که ضرورتاً باید برنهادهای آموزش رسمی متکی باشد به موسسه‌های غیررسمی منتقل‌شده و دانشگاه‌ها و آموزش رسمی ضعیف و ضعیف‌تر و در عوض موسسه‌های غیررسمی، از قوت و اثرگذاری بیشتری برخوردار گردند. به‌بیان‌دیگر، کیفیت آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها پایین‌تر و دانشجویان کمتر به دانشگاه‌ها توجه می‌کنند؛ ازطرف‌دیگر وجود این موسسه‌ها فوایدی هم دارند، دانشجویانی که از رشته‌ای به رشته‌ی دیگر در مقاطع بالاتر وارد می‌شوند به علت عدم آشنایی با دروس در مقاطع پایین، با رشته موردنظر خود ارتباط مناسب‌تری برقرار کنند؛ و این موسسه‌ها کمک می‌کنند که راحت‌تر کنکور را پشت سر بگذارند و در رشته‌ای که خودشان دوست دارند، تحصیل کنند و رتبه‌های خوبی کسب کنند.

محتمل است که رشد و قدرت اثرگذاری این موسسه‌ها به ضعف مدارس و دانشگاه‌ها در جریان تربیتی مربوط باشد. همچنین افت کیفیت آموزشی در نظام آموزشی و دانشگاهی، می‌تواند یکی دیگر از دلایلی باشد تا دانش‌آموزان و دانشجویان در درس‌هایی که احساس ضعف می‌کنند، سعی کنند تا این ضعف‌ها را در مکان دیگری غیر از آموزش رسمی، برطرف سازند. از شواهد میدانی چنین برمی‌آید که در حال حاضر یکی از عمده‌ترین اهداف تربیت رسمی، زمینه‌سازی برای موفقیت دانش‌آموختگان در کنکور است؛ پرواضح است که این‌گونه هدف‌گذاری، می‌تواند تبعات نامطلوبی را در سطوح فردی و اجتماعی ایجاد نماید. ازآنجایی‌که انتظار جامعه امروز از مدرسه، تربیت شهروندانی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

باانگیزه، آگاه و متعادل است، که توانایی حل مسئله، احساس امنیت، اعتمادبه‌نفس و اعتماد به دیگران را داشته باشد (بازرگان و دارنی، به نقل از علیزاده، صالحی و مقدم زاده، ۱۳۹۶)، این‌گونه هدف‌گذاری می‌تواند زمینه بروز رقابت‌های ناسالم و پیامدهای ناشی از آن را پیش داشته باشد؛ همچنین به نظر می‌رسد با رشد نامتوازن موسسه‌های غیررسمی درزمینه‌ی هدف موردنظر، درست عمل‌نکرده است.

کنکور، سازوکاری است که از طریق آن، تلاش شده است تا درس‌هایی که دانش‌آموزان در طول چهار یا پنج سال خوانده‌اند را در چند ساعت مورد ارزیابی قرار دهد. این امر ضرورت برنامه‌ریزی قوی و فشرده را دوچندان می‌نماید. به نظر می‌رسد، بخشی از مطالبی که در کنکور مورد آزمون قرار می‌گیرند، آن چیزی نباشد که در دبیرستان‌ها و یا دانشگاه‌ها تدریس شده است و این تعارض می‌تواند با عدالت آموزشی در تضاد باشد. رقابت زیادی که بین دانش‌آموزان و دانشجویان برای کسب صندلی‌های برتر دانشگاه وجود دارد آن‌ها را ملزم به فعالیت‌هایی، بیش‌ازحد نیازشان می‌کند تا تسلط بیشتری نسبت به درس‌هایی که مورد آزمون قرار می‌گیرند، داشته باشند؛ و این خود می‌تواند یکی دیگر از دلایل رشد این موسسه‌ها باشد. سؤالات چندگزینه‌ای موجب اندازه‌گیری سطوح پایین حیطه شناختی از طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی بلوم می‌شود و بیشتر توانایی بازشناسی و یا تشخیص را می‌سنجد (سیف، ۱۳۹۴). هرچند درحال‌حاضر با توجه به اقدامات انجام‌شده این نوع سؤالات از کیفیت بالاتر و اندازه‌گیری تا سطوح بالاتر از گذشته را موردسنجش قرار می‌دهد ولی برای اندازه‌گیری سطوح بالای حیطه شناختی، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی کاربرد ندارد (پاشاشریفی و شریفی، ۱۳۹۶). این نوع سؤالات نمونه‌ی بزرگی از محتوا را در برمی‌گیرد و با سهولت در تصحیح مواجه است اما نمی‌تواند قدرت حدس و گمان را به‌طور کامل کنترل نماید. با تغییر نوع تصحیح آزمون‌های چندگزینه‌ای و با احتساب تمام گزینه‌های نادرست انتخابی به‌صورت امتیاز دادن به هر گزینه (تفاوت قائل شدن بین گزینه تقریباً درست و گزینه کاملاً غلط) می‌توان بر دقت اندازه‌گیری این نوع آزمون‌ها افزود. آمادگی برای پاسخگویی به آزمون‌های چندگزینه‌ای از مضمون افت سواد دانش‌آموختگان و افزایش مشارکت-کنندگان در کلاس‌های متفرقه از مضمون ضعف تربیت رسمی با یافته‌های پژوهش سجادی، کرم دوست، درانی، صالحی و مقدم‌زاده (۱۳۹۶)، با مضمون سرعت عمل و محیط آموزشی همسو و همخوانی دارد. همچنین مضمون نابرابری اجتماعی با مضمون موقعیت طلبی در مطالعه سجادی و کرم دوست، درانی، صالحی و مقدم‌زاده (۱۳۹۶)، همسو است.

با افزایش روزافزون مؤسسات مدعی ارتقای مهارت‌های تست‌زنی و ترویج این مهارت غیر اصیل، به نظر می‌رسد زمینه از رونق افتادن نیازهای اصلی در خصوص ارتقای سواد و مهارت‌های اصیل زندگی فراهم آمده و بیشتر خانواده‌ها، دانش‌آموزان و دانشجویان سعی در یادگیری مطالب آزمون به‌منظور افزایش مهارت‌های تست‌زنی را

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

خواهند داشت و به‌جای رقابت برای ارتقای مهارت‌های زندگی و مهارت‌های شهروندی، رقابت اصلی آن‌ها برای جذب شدن در دانشگاه‌ها و موفقیت در موقعیت‌هایی که از این نوع آزمون‌ها استفاده می‌کنند، اهمیت یافته است. ازاین‌رو هدف اصلی آموزش‌وپرورش که همان افزایش دانش و مهارت‌های مرتبط به آن است، نادیده انگاشته می‌شود. همچنین در افزایش سواد که مورد تقاضای همه کشورهاست درست عمل نشده و کشور به سایه‌ای از دانش دست‌یافته که برای موفقیت کشور در سطح جهانی چندان مؤثر نخواهد بود. با روند روبه رشد نهادها و موسسه‌های غیررسمی و هزینه‌های ثبت‌نام در آن‌ها خیلی از افراد توانمندی که در جامعه وجود دارند توانایی شرکت در این نوع موسسه‌ها را ندارند ازاین‌رو به‌رغم برخورداری از استعداد سرشار، از رقابت بازمی‌مانند که با پژوهش‌های (فوربس، ۲۰۱۲) و (لویلکا و زاکارف، ۲۰۱۶) همسو است و بعضاً موجب ترک تحصیل، دلسرد شدن از کسب دانش و امثال این می‌شود. با بروز همچنین مسائلی به نظرمی رسد تعداد زیادی از نخبه‌هایی که می‌توانستند در سطح اول کشور فعالیت کنند و برای ارتقای کشور مؤثر باشند را از دست خواهیم داد. رشد موسسه‌ها و نهادهای غیررسمی در کشور و بعضاً کتاب‌هایی که در این نهادها ارائه می‌شوند موجب آسیب‌هایی به تربیت رسمی می‌شوند؛ احتمالاً تربیت رسمی دیگر موفق عمل‌نکرده و کلاس‌ها از کیفیت مطلوب برخوردار نخواهند بود، همچنین دانش‌آموزان و دانشجویان دیگر رغبتی برای شرکت در کلاس‌های تربیت رسمی از خود نشان نمی‌دهند و عملاً زمان خویش را هدر می‌دهند و سعی در فعالیت بیشتر در نهادهای غیررسمی دارند ازاین‌رو تربیت رسمی هم روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود؛ تا جایی که امکان دارد در چند سال آتی دیگر شرکت کردن در تربیت رسمی صرفاً به خاطر مدرکی که ارائه می‌دهند، باشد. اطمینان از اینکه تمام دانش‌آموزان به‌طور مساوی به آموزش باکیفیت دسترسی داشته باشند، توجه به ارزش ذاتی تنوع انسانی، طبقات اجتماعی با سطوح درآمد مختلف و سعی در کم کردن نابرابری اجتماعی با برنامه جهانی تربیت رسمی (آموزش و پروش) ۲۰۳۰ (یونسکو، ۲۰۱۷) همسو است؛ درنهایت با توجه به مطالب بیان‌شده به علت فقدان استفاده از همه اقشار، توانایی‌ها و استعدادهای جامعه پدیده‌ای به نام نابرابری اجتماعی در جامعه رخ می‌دهد؛ که با تحقیقات (سیلویا و همکاران به نقل از لویلکا و زاکارف، ۲۰۱۶) و (یانگ و بری، ۲۰۱۷) همسو است؛ به نظرمی رسد موسسه‌های غیررسمی موجب بازتولید اختلاف طبقاتی می‌شوند چون قشر مرفه جامعه با استفاده از ثروت رشته‌های درآمدزا مثل پزشکی و دندانپزشکی را در اختیار خود درمی‌آورند، همچنین طبقه متوسط جامعه هم رشته‌های ضعیف را انتخاب و درامدهای ضعیفشان باعث استمرار فاصله اقتصادی خانواده‌ها می‌شوند. برای کمک به نخبه‌های کم‌درآمد جامعه، می‌توان با ارتباط مفید و مؤثر با صنعت و کمک گرفتن از آن‌ها با طرح‌های مختلفی نظیر کم کردن مالیات آن‌ها در عوض پشتیبانی از دانش‌آموزان نخبه کم‌درآمد و طبقات کم‌درآمد جامعه در برقراری توازن در جامعه گامی مهم برداشته شود که با تحقیق (کِیربی، ۲۰۱۶) همسو است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1397.10.3.3.0]

پژوهش حاضر به‌منظور موضع‌گیری نسبت به ماهیت آزمون‌های چهارگزینه‌ای انجام‌نشده است، بلکه از یکسو ایجاد زمینه‌ای برای بازاندیشی در خصوص رسالت نظام آموزشی در پرورش شهروندان بالنده و سالم را در نظر داشته و از سوی دیگر، زمینه‌سازی برای جلوگیری از شیوع آسیب‌زای مراکزی که صرفاً مبتنی بر منافع مادی خود به نیاز سازی و ترویج مهارت‌های کاذبی همچون تست‌زنی می‌پردازند را در نظر دارد. به دیگر سخن، تلاش بر این بوده تا ضمن آگاهی‌بخشی به جامعه نخبگان و تصمیم‌گیرندگان، تبعات منفی تمرکز و ورود نهادهای آموزشی به امور مربوط به مهارت‌های تست‌زنی بازنمایی شده و در راستای تحقق عدالت آموزشی گام برداشته شود. به نظر می‌رسد این امر از فعالیت بی‌رویه مراکز و مؤسسات موسوم به تقویت مهارت‌های تست‌زنی و هدر رفتن بخشی از سرمایه‌های جامعه جلوگیری خواهد کرد. با توجه به پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد، الف) روند ارزیابی ازنظر نوع و محتوای آن اصلاح شود ب) تحلیل سؤالات با استفاده از روش‌های جدید اندازه‌گیری مانند نظریه سؤال_پاسخ[1] انجام گردد ج) حذف کنکور و پذیرش دانشجو بر اساس شرط معدل که به‌نوبه خود مشکلاتی را در پی خواهد داشت که نیاز به پژوهش دارد، د) برگزاری مصاحبه از طریق دانشگاه‌ها و یا هر طریقی که موجب کاهش معایب آزمون‌های چندگزینه‌ای شود؛ فکر، برنامه‌ریزی و درنهایت عمل کرد. و همچنین از شرکت‌ها و کارخانه‌ها خصوصی جهت سرمایه‌گذاری و استفاده از نخبه‌ها، بهره جست.

منابع

- آرین، خدیجه (۱۳۸۸). آموزش‌وپرورش سایه (تدریس خصوصی) و آثار آن. مجله علوم تربیتی. ۳۶۳، ۱۰-۱۳.
- پاشاشریفی، حسن؛ و شریفی، نسترن (۱۳۹۶). اصول روان‌سنجی و روان آزمایی. نهران: نشر رشد، چاپ ششم.
- رنجبر، هادی؛ حقدوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی و بهرامی، نسیم (۲۰۱۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش. (۳)، ۲۳۸-۲۵۰.
- سجادی، رضا؛ کرم دوست، نوروزعلی؛ درانی، کمال؛ صالحی، کیوان؛ و مقدم‌زاده، علی (۱۳۹۶). واکاوی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. ۸(۱۶)، ۱۹۰-۱۶۳.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۴). اندازه گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، تهران: انتشارات دوران.

1.Item Response Theory (IRT)

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

- شریفی، حسن پاشا؛ شریفی، نسترن (۱۳۹۶). اصول روان‌سنجی و روان آزمایی، ویراست دوم (با اصلاحات و افزوده‌ها) تهران، انتشارات رشد.
- طهماسبی، فردین؛ میرزایی، خلیل؛ و کامرانی، فریدون (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آن‌ها در شهر تهران. مجله پژوهش اجتماعی، ۵ (۱۴)، ۷۵-۱۰۰.
- علیزاده، شهناز؛ صالحی، کیوان؛ مقدم‌زاده، علی. (۱۳۹۶). واکاوی کیفیت سنجش کلاسی معلمان؛ مطالعه‌ای به روش پژوهش آمیخته .*فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*. ۵(۱)، ۸۴-۶۳.
- محمدزاده، زینب؛ و صالحی، کیوان (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان. ۳(۱۱)، ۲۵-۱.
- محمودی، اصغر (۱۳۸۹). ارائه طرح. بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۳. قابل‌دسترسی از سایت .http://am1370.blogfa.com/post-17.aspx
- Aries, E., & Seider, M. (2005). The interactive relationship between class identity and the college experience: The case of lower income students. *Qualitative Sociology*, *28*(4), 419-443.
- Askew, M., Hodgen, J., Hossain, S., & Bretscher, N. (2010). *Values and variables: Mathematics education in high-performing countries*. London: Nuffield Foundation.
- Aurini, J., Dierkes, J., & Davies, S. (Eds.). (2013). Out of the shadows: The global intensification of supplementary education. Emerald Group Publishing. https://books.google.com/books?isbn=1781908176.
- Bray, M., & Kwo, O. (2013). Behind the façade of fee-free education: Shadow education and its implications for social justice. *Oxford review of Education*, *39*(4), 480-497.
- Bray, M., & Lykins, C. (2012). *Shadow education: Private supplementary tutoring and its implications for policy makers in Asia* (No. 9). Asian Development Bank.
- Buhagiar, M. A., & Chetcuti, D. A. (2013). The private tuition phenomenon in Malta. In *Private tutoring across the Mediterranean* (pp. 129-149). SensePublishers, Rotterdam.
- Chan, C., & Bray, M. (2014). Marketized private tutoring as a supplement to regular schooling: Liberal studies and the shadow sector in Hong Kong secondary education. *Journal of Curriculum Studies*, *46*(3), 361-388.
- de Castro, B. V., & de Guzman, A. B. (2014). A structural equation model of the factors affecting Filipino university students' shadow education satisfaction and behavioural intentions. *Asia Pacific Journal of Education*, *34*(4), 417-435.
- De Castro, B. V., & De Guzman, A. B. (2014). A structural equation model of the factors affecting Filipino university students' shadow education satisfaction and behavioural intentions. *Asia Pacific Journal of Education*, *34*(4), 417-435.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]

- Forbes. (2012). retrieved on 2017/04/20. globa -private-tutoring-market-will-surpass-102-billion-by-2018. accessible from the site http://www.forbes.com /sites/jamesmarshallcrotty.
- Hartmann, S. (2013). Education 'home delivery'in Egypt. In *Private tutoring across the Mediterranean* (pp. 57-75). SensePublishers, Rotterdam.
- Kassotakis, M., & Verdis, A. (2013). Shadow education in Greece. In *Private Tutoring Across the Mediterranean* (pp. 93-113). SensePublishers, Rotterdam.
- Kirby, P. (2016). Shadow Schooling: private tuition and social mobility in the UK.
- Loyalka, P., & Zakharov, A. (2016). Does shadow education help students prepare for college? Evidence from Russia. *International Journal of Educational Development*, *49*, 22-30.
- Mawer, K. (2015). Casting new light on shadow education: snapshots of juku variety. *Contemporary Japan*, *27*(2), 131-148.
- Seth, M. J. (2002). *Education fever: Society, politics, and the pursuit of schooling in South Korea*. University of Hawaii Press. https://books.google.com/books.
- Sobhy, H. (2012). The de-facto privatization of secondary education in Egypt: A study of private tutoring in technical and general schools. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, *42*(1), 47-67.
- Song, K. O., Park, H. J., & Sang, K. A. (2013). A cross-national analysis of the student- and school-level factors affecting the demand for private tutoring. *Asia Pacific Education Review*, *14*(2), 125-139.
- Tansel, A., & Bircan Bodur, F. (2005). Effect of private tutoring on university entrance examination performance in Turkey.
- Trust, S. (2015). "London Pupils are Twice as Likely to Receive Private Tuition as Those Outside the Capital." *The Sutton Trust*. Accessed September 4. http://www.suttontrust.com/newsarchive/london-pupils-are-twice-as-likelyto - receive-private-tuition-as-those-outside-the-capital/
- UNESCO (2012) EFA [Education for All] Global Monitoring Report 2012: Youth and Skills Putting Education to Work (Paris: UNESCO).
- UNESCO (2017).A guide for ensuring inclusion and equity in education. The Global Education 2030 Agenda. Published in 2017 by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 7, place de Fontenoy 75352 Paris 07 SP, France.
- Yung, K. W. H., & Bray, T. M. (2017). Shadow Education: Features, Expansion and Implications. *Making Sense of Education in Post-Handover Hong Kong: Achievements and Challenges*.
- Zhang, W., & Bray, M. (2017). Micro-neoliberalism in China: public-private interactions at the confluence of mainstream and shadow education. *Journal of Education Policy*, *32*(1), 63-81.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1397.10.3.3.0]